

پی‌نوشت‌ها



مقدمه



۱. جزئیات ماجرای مارک از مصاحبه‌هایش با من و دیگر خبرنگاران و نیز نوشته‌های خودش طی سالیان به دست آمده است. به خصوص توصیه می‌کنم یکی از کتابش‌هایش با عنوان بذره‌های علم (۲۰۱۸) را بخوانید که در آن ماجرای خودش را باز می‌گوید و علم کُفهمیده ارگانیسم‌های تراریخته را توضیح می‌دهد. از مارک ممنونم که شجاعت به خرج داد و، ضمن بازنگری در پیش‌فرض‌های خود، بی‌پرده درباره تغییر اندیشه‌هایش صحبت کرد.

2. Lynas, *Seeds of Science*.

3. Storr, "Mark Lynas: Truth, Treachery and GM Food".

۴. نکته‌ای درباره تعریف‌ها: در روان‌شناسی خانواده، عبارت «high conflict» را معمولاً به شکل صفتی برای وصف طلاق‌ها یا افراد بسیار دشوار استفاده می‌کنند. در این کتاب، تعریف جدیدی از عبارت «high conflict» به شکل اسم ارائه کرده‌ام که ارجاع دارد به کل سیستمی که اختلاف در آن خودتداوم‌بخش و فلج‌کننده می‌شود. بعضی تعارض‌های افراطی برجسب «تعارض مهارناپذیر» می‌خورند. منظور پژوهشگران از این لفظ تعارض افراطی‌ای است که نسل‌ها ادامه یافته و حل‌ناپذیر به نظر می‌آید. اما تعارض افراطی در این کتاب مفهومی رایج‌تر از تعارض مهارناپذیر است. نیازی نیست چند نسل طول بکشد یا خشن باشد (گرچه گاهی به راحتی به خشنوت می‌انجامد). جهت مطالعه پژوهش‌های جذاب درباره تعارض‌های مهارناپذیر، به دو کتاب ذیل مراجعه کنید:

Bar-Tal, *Intractable Conflicts*.

Coleman, *The Five Percent: Finding Solutions to Seemingly Impossible Conflicts*.

5. Pew Research Center, "Partisanship and Political Animosity in 2016."

۶. این برآورد براساسی نظرسنجی رویترز/ایپسوس است که پس از انتخابات انجام شد. در این پیمایش که ۶ هزار و ۴۲۶ شرکت‌کننده داشت، ۱۶ درصد گفتند به دلیل انتخابات با یکی از دوستان یا اعضای خانواده قطع رابطه کرده‌اند. اگر این نسبت را تعمیم دهیم، ۱۶ درصد از جمعیت آمریکا می‌شود حدود ۳۸ میلیون. ن.ک.

Whitesides, "From Disputes to a Breakup: Wounds Still Raw After U.S. Election."

7. Swift, "Americans' Trust in Mass Media Sinks to New Low."

8. Kaur-Ballagan et al., "BBC Global Survey: A World Divided?"

۹. همان.

۱۰. این نقل قول برگرفته از یکی از سخنرانی‌های همایش «کشور من صحبت می‌کند» است که در سال ۲۰۱۸ در برلین برگزار شد. در این همایش، که برگزارکننده‌اش زایت آنلاین بود، شخصاً شرکت کرده بودم.

۱۱. برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی اوک پارک، به تداک فوق‌العاده‌ی هیزر مگی و مقاله‌ی ذیل مراجعه کنید:

Heather McGhee, "Racism Has a Cost for Everyone"

Merriman, "Gilmore v. City of Montgomery."

۱۲. ویدئوی این ماجرا در یوتیوب در دسترس است. استاد بیورن لومبورگ در حال تبلیغ کتابش تحت عنوان پاسبان شکاک محیط‌زیست (*The Skeptical Environmentalist*) بود. مارک بعدها از لومبورگ عذرخواهی کرد.

13. Paarlberg, *Starved for Science*.

۱۴. این جنبش‌ها، که از میانشان می‌توان به بایکوت، اعتصاب و تظاهرات اشاره کرد، به این دلیل موفقیت‌آمیزند که افراد زیاد و متنوعی را جذب می‌کنند، به حدی که فشاری مداوم و معنادار بر اهرم‌های قدرت وارد می‌سازد.

Chenoweth and Stephan, *Why Civil Resistance Works*.

15. World Health Organization, "Pneumonia of Unknown Cause—China."

16. Rabin, "First Patient with Wuhan Coronavirus Is Identified in the U.S."

17. Associated Press, "China Didn't Warn Public of Likely Pandemic for Six Key Days."

18. Rauhala, "Chinese Officials Note Serious Problems in Coronavirus Response. The World Health Organization Keeps Praising Them."
19. Carey and Glanz, "Hidden Outbreaks Spread Through U.S. Cities Far Earlier than Americans Knew, Estimates Say."
20. Common and YouGov, "COVID 19: Polarization and the Pandemic."
21. Sahoo, "India: Infections, Islamophobia, and Intensifying Societal Polarization."
22. BBC News, "Coronavirus: Trump's WHO De-funding 'As Dangerous as It Sounds.'"
23. Hartney and Finger, "Politics, Markets, and Pandemics."
24. World Economic Forum, "Outbreak Readiness and Business Impact."
25. Smith et al., "Global Rise in Human Infectious Disease Outbreaks."
26. Allport, *The Nature of Prejudice*.
27. Fernandez and Burch, "George Floyd, from 'I Want to Touch the World' to 'I Can't Breathe.'"
۲۸. در زمان انتشار این کتاب، به سختی می‌توان این رقم را با قطعیت گفت. در بعضی موارد مشخص نبوده تیراندازی‌ها ربطی به اعتراضات داشته یا نه. امیدوارم در آینده عدد معنادارتری در دسترس قرار گیرد.
- Al Jazeera, "Nearly a Dozen Deaths Tied to Continuing Unrest in U.S."
29. Lynas, "GM Won't Yield a Harvest for the World."
30. Lynas, "Lecture to Oxford Farming Conference."

۱] زیرداستانِ تعارض



۱. ماجرای جی و لورنا برگرفته از مصاحبه‌های خودم با گری و نیز دو کتاب از گری است. نام واقعی موکل هایش برای حفظ حریم خصوصی تغییر یافته است:

Friedman, *A Guide to Divorce Mediation*.

Friedman, *Inside Out*.

۲. جزئیات دریاچهٔ قیر از یکی از کارکنان آنجا و نیز گزیده‌های اخبار و اطلاعات وب‌سایت فوق‌العاده جذاب دریاچهٔ قیر (tarpits.org) به دست آمده که بازدید از آن را توصیه می‌کنم.

3. Hawkins et al., "Hidden Tribes: A Study of America's Polarized Landscape."

این گزارش سازمان بی طرف «مُر این کامن» گروه مزبور آمریکایی‌ها را «اکثریت خسته» نامید. گزارش این سازمان از متفکرانه‌ترین و مفیدترین تحلیل‌هایی است که تا کنون در موضوع دودستگی در آمریکا دیده‌ام.

4. Mehari, "The Role of Social Trust in Citizen Mobility During COVID-19."

5. Butler, "A Million Volunteer to Help NHS and Others During Covid-19 Outbreak."

۶. جهت مطالعه کتابی فوق‌العاده درباره محدودیت‌های ترافع و پتانسیل همکاری متقابل، ن. ک:

Karlberg, *Beyond the Culture of Contest*.

۷. جالب اینکه، در بحث شناخت محدودیت‌های ترافع، بهترین ورزهای کسب و کار امروزه بعضاً بهتر از راهبردهای سیاسی‌اند. مثلاً دهه‌هاست که مدارس کسب و کار به دانشجویان خود یاد می‌دهند که، در مذاکره، معمولاً همکاری، نسبت به رقابت، نتایج بهتری به بار می‌آورد. کتاب‌های فوق‌العاده زیادی درباره مذاکره وجود دارد، مثلاً:

Getting to Yes by Roger Fisher and William Ury

از این دو کتاب بوری هم خوشم می‌آید:

Getting Past No

Getting to Yes with Yourself

شواهد کمی زیادی در پس این نکته وجود دارد، اما مخلص کلام برای مبحث ما این است که ذهنیت ماعلیه‌ان‌ها به ضرر همه تمام می‌شود. در کسب و کار، سیاست، زندگی زناشویی، بیماری همه‌گیر و تقریباً در هر حوزه مهم زندگی، این قضیه مصداق دارد.

8. Margolick, "Burger Says Lawyers Make Legal Help Too Costly."

۹. هم ماجرای لگوها و هم کباب‌پز هیباچی را میانجیگرهای حرفه‌ای تعارض در سال ۲۰۱۹ برایم تعریف کردند.

۱۰. در سال ۲۰۰۷، دفتر وکالتی در بوستون دست به تجزیه و تحلیل ۱۹۹ مورد از پرونده‌های اخیر طلاق خود زد و نتیجه گرفت که میانجیگری هزینه بسیار کمتری دارد و، در مقایسه با ۲۶ هزار و ۸۳۰ دلاری که وکلای رقیب برای به نتیجه رساندن پرونده‌های طلاق می‌گیرند، به طور متوسط فقط ۶ هزار و ۶۰۰ دلار هزینه در بر دارد. دعوی قضایی تمام عیار، که در سیستم سنتی هنگامی پیش می‌آید که طرفین نتوانند به توافقی برسند، به طور متوسط ۷۸ هزار دلار هزینه در بر داشت. پس، در این نمونه، دادگاه رفتن علیه همسر حدود ۱۲ برابر میانجیگری خرج برمی‌داشت (گزینه دیگر هم طلاق توافقی است که حالت دیگری از میانجیگری است. زن و شوهر هر یک وکیل و در صورت نیاز مشاوران دیگری برای خود دارند، اما همه سعی می‌کنند با همکاری هم به توافق منصفاً ای برسند. در این دفتر وکالت، در آن

زمان، طلاق‌های توافقی به‌طور متوسط حدود ۲۰ هزار دلار هزینه داشت). لازمه تمام این کارها آن است که هر دو طرف بخواهند به توافقی برسند. اگر هر یک از طرفین متعهد نباشد، در آن صورت دعوی قضایی شاید کم‌خرج‌تر از آب دربیاید، چون کس دیگری (قاضی) نتیجه را تعیین می‌کند.

Crary, "Keen Interest in Gentler Ways to Divorce."

11. Gold, "Easy Living in Marin."

۱۲. گری روی تیمی از مذاکره‌کنندگان از جمله رابرت نوکین از مدرسه حقوق هاروارد و جول کاپر-گرشنگلد، کارشناس روابط کاری، کار کرد. تلاش‌های آن‌ها تحت حمایت مالی بنیاد هیولت بود. برای جزئیات بیشتر، ن.ک:

Mnookin et al., "A New Direction: Transforming Relations Within the San Francisco Symphony."

13. Irich and Delgado, "Symphony Musicians Don't Play, but Picket."

14. Mnookin et al., "A New Direction: Transforming Relations Within the San Francisco Symphony."

15. Singh Ospina et al., "Eliciting the Patient's Agenda."

۱۶. جهت مطالعه بیشتر درباره تحقیقات مربوط به اثرات سنجیدنی گوش‌سپاری باکیفیت، ن.ک:

Guy Itzhakov and Avraham Kluger, "The Listening Circle: A Simple Tool to Enhance Listening and Reduce Extremism Among Employees."

17. Bergeron and Laroche, "The Effects of Perceived Salesperson Listening Effectiveness in the Financial Industry."

18. Guy Itzhakov and Avraham Kluger, "The Listening Circle: A Simple Tool to Enhance Listening and Reduce Extremism Among Employees."

19. Kim et al., "The Effects of Physician Empathy on Patient Satisfaction and Compliance."

20. Gordon and Chen, "Do You Get Where I'm Coming From?"

۲۱. حلقه‌بندی برای درک راگری فریدمن و جک هیملشتاین ابداع کردند و در کتاب به چالش کشیدن تعارض به تشریح آن پرداختند. از آن کارهایی است که ساده به نظر می‌آید اما انجام درستش به لحاظ شناختی بسیار دشوار است (محض اطلاع کسانی که علاقه به یادگیری بیشتر دارند، گری و همکارانش در «مرکز درک در تعارض» دوره‌های آموزش حلقه‌بندی دارند).

۲۲. این نقل‌قول‌ها براساس خاطره گری از تمرین‌های حلقه‌بندی سمفونی و نیز مشاهدات خود هستند که حدود ده‌دوازده تمرین حلقه‌بندی را دیده‌ام، عضوشان شده‌ام یا رهبری‌شان کرده‌ام.

23. Mnookin et al., "A New Direction: Transforming Relations Within the San Francisco Symphony."

۱۴.۲۴ سال بعد بود که سمفونی سان فرانسیسکو دوباره اعتصاب کرد. این مدت صلح، به نسبت آمار سازمان، طولانی بود. به مرور زمان، نوازندگان و مدیریت تغییر کردند. افراد جدیدی می آمدند که میانجیگری با گری و همکارانش را تجربه نکرده بودند. حافظه عضلانی برای رفع و رجوع تعارض بدون تمرین محو می شود.

۲۵. اکثر جزئیات و نقل قول های جلسات هیئت که در این کتاب آمده اند از فایل های صوتی ضبط شده، گزارش ها و دستورالعمل جلسات برگرفته شده اند. تمام این موارد در وب سایت هیئت محلی خدمات اجتماع درج شده است. بعضی دیگر از جزئیات هم از مصاحبه های خودم با بعضی شرکت کنندگان به دست آمده است.

26. Liberatore, "Longtime Residents, Relative Newcomers Vie for Seats on Muir Beach CSD."

[۲] قدرت دودویی



1. Wood, *Friends Divided: John Adams and Thomas Jefferson*, Duverger, "Public Opinion and Political Parties in France"; and Bober, *Thomas Jefferson: Draftsman of a Nation*.

2. Wood, *Friends Divided: John Adams and Thomas Jefferson*.

3. Allport, *The Nature of Prejudice*.

4. Shultz et al., "Stepwise Evolution of Stable Sociality in Primates".

۵. دسته ها وصف کننده های یاریگر و بی طرف نیستند، بلکه بدین منظور طراحی شده اند تا مشکلات را برای فرد خاصی حل کنند. مثلاً در قرن نوزدهم، مهاجران ایرلندی در آمریکا را جزئی از «نژاد ایرلندی» می دانستند که فرودست «نژاد آنگلوساکسون» به شمار می آمد. «نژاد ایتالیایی» و «نژاد یهودی» هم بودند که هردو شان به دلایل متفاوتی در مظان اتهام قرار داشتند. سلسله مراتب پیچیده ای از تفاوت های پنداشته نژادی، حتی در دسته «سفید»، وجود داشت که نابرابری در جامعه آمریکا را موجه جلوه می داد و تداوم می بخشید. جهت مطالعه دقیق و مفصل درباره علم هویت، کتاب ذیل را پیشنهاد می کنم:

Berreby, *Us and Them*.

۶. سپاس از رابرت ساپولسکی که در کتاب فوق العاده جذابش، رفتار (*Behave*)، به این نکته اشاره کرد. استنادش به کتاب ذیل بود:

David Hofstede's *Planet of the Apes: An Unofficial Companion*.

7. Tajfel et al., "Social Categorization and Intergroup Behaviour."

دو نقاشی را در اینجا به عنوان نمونه سبک دو هنرمند آورده‌ام، اما نفهمیدم پژوهشگران کدام نقاشی‌ها را در تحقیق خود استفاده کرده‌اند.

8. Newheiser and Olson, "White and Black American Children's Implicit Intergroup Bias."

9. Taub and Fisher, "Why Referendums Aren't as Democratic as They Seem."

۱۰. همان.

۱۱. اگر خودتان هنوز ندیده‌اید، تصویر لباس را از لینک زیر مشاهده کنید:

https://en.wikipedia.org/wiki/The_dress.

برای مطالعه دلایل علمی این پدیده ویرال، ن.ک:

Wallisch, "Illumination Assumptions Account for Individual Differences in the Perceptual Interpretation of a Profoundly Ambiguous Stimulus in the Color Domain: 'The Dress.'"

۱۲. برای مطالعه بیشتر درباره پژوهش‌های مربوط به اثرات مدیتیشن، ن.ک:

National Center for Complementary and Integrative Health, "Meditation: In Depth."

اگر علاقه دارید خودتان هم مدیتیشن کنید، برنامه‌های رایگان و کم‌هزینه زیادی برای راهنمایی‌تان وجود دارد. شخصاً Headspace را توصیه می‌کنم. خودم از بعد از کلاس آموزشی‌گری که به خانه آمدم از همین برنامه استفاده می‌کنم. خیلی آسان‌تر از آن است که خودتان بخواهید برای بار اول مدیتیشن کنید. مدیتیشن‌های کوتاه‌ش شامل درس‌های کلی‌تری درباره ذهن‌آگاهی نیز هست.

۱۳. پروژه‌ای که از این گزارش اولیه بیرون آمد به سفارش سولوشنز ژورنالیسم نتورک بود، سازمانی غیرانتفاعی که روزنامه‌نگاران را برای گزارش دقیق درباره کارهای اجتماعات در راستای حل مشکلات آموزش می‌دهد (که با گزارش صرف درباره مشکلات تفاوت دارد). ن.ک:

Ripley, "Complicating the Narratives."

14. Sharfstein, "Saving the Race."

15. Friedman, *Inside Out*.

16. *Bridgeport Post*, "Jury Awards \$5,500 to Woman in Crash."

۱۷. پیروزی تقریباً در هر زمینه‌ای ترشح تستوسترون را افزایش می‌دهد، به شرط اینکه فرد مغلوب را غیرخودی بدانیم. مثلاً در مطالعه‌ای روی مردانی دومینوباز در یکی از اجتماعات کارائیب، کسانی که یکی از اعضای گروه دیگری را شکست می‌دادند بلافاصله بعد از مسابقه دچار افزایش ترشح تستوسترون می‌شدند. کسانی که دوستی از گروه خودشان را شکست می‌دادند چنین تغییر هورمونی‌ای را نشان نمی‌دادند.

Flinn et al., "Hormonal Mechanisms for Regulation of Aggression in Human Coalitions."

۱۸. این آزمایش برگرفته از پایان نامه یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد استنفورد به نام الیزابت نیوتن در سال ۱۹۹۰ است:

"The Rocky Road from Actions to Intentions."

جالب اینکه نیوتن در این آزمایش ضرب‌گیری تفاوتی جنسیتی را مشاهده کرد. مردان و زنان، هردو، برآوردهای زیاده‌مطمئن و غیرواقعیانه‌ای از حدس‌پذیری ضربه‌های خود داشتند، اما برآوردهای مردان به‌طور معناداری بیشتر بود.

۱۹. این جمله را به جرج برنارد شاو نسبت داده‌اند، اما اعضای وب‌سایت صحت‌سنجی نقل‌قول‌ها نتوانستند سندی در این باره بیابند. سخت می‌توان با قطعیت گفت، اما این جمله ظاهراً مبتنی بر نقل‌قولی طولانی‌تر با همین مضمون است که ویلیام ایچ. وایت در مقاله‌ای در سال ۱۹۵۰ در مجله فورچون گفته بود. این گزیده درباره نیاز به ارتباط بهتر در کسب‌وکار بود.

20. Gilovich et al., "The Illusion of Transparency."

۲۱. این تمایل انسانی که رفتار دیگران را به عیب‌های ذاتی شخصیتشان نسبت دهند و رفتار خودشان را به شرایطی که در آن گرفتار آمده‌اند در روان‌شناسی تحت عنوان «خطای بنیادی اسناد» شناخته می‌شود. اصطلاح «فلکس راننده نفهم» را از خودم درآوردم، چون به نظرم فهم و به‌خاطر سپاری اصطلاح رسمی دشوار است.

22. Klien, "Muir Beach Election Pits Old Guard Against New."

23. Valentino, "Muir Beach Faces Election Divided by Varying Opinions on Water Hike."

24. Williams and Sommer, "Social Ostracism by Coworkers: Does Rejection Lead to Loafing or Compensation?"; Williams et al., "Cyberostracism: Effects of Being Ignored over the Internet"; Williams and Nida, "Ostracism: Consequences and Coping."

25. Wesselmann et al., "Adding Injury to Insult: Unexpected Rejection Leads to More Aggressive Responses."

26. DeBono and Muraven, "Rejection Perceptions: Feeling Disrespected Leads to Greater Aggression than Feeling Disliked."

27. Parker, "Lexington Came Together After the Red Hen Incident. Can America Do the Same?"

۲۸. در سال ۲۰۱۸، بیش از ۸۰ درصد از دمکرات‌ها و جمهوری‌خواهان می‌گفتند حریفانشان «سرشار از نفرت» هستند. دمکرات‌ها می‌گفتند جمهوری‌خواهان «نژادپرست»‌اند و جمهوری‌خواهان نیز همین را درباره دمکرات‌ها می‌گفتند.

Yudkin et al., "The Perception Gap."

29. Giles, "Maths Predicts Chance of Divorce."

۳۰. براساسِ اطلاعات روزنامهٔ هاروارد کریمسون، در سال ۲۰۱۹، نرخ قبولی در هاروارد ۴٫۵ درصد بود.

۳۱. این نقل‌قول از مصاحبهٔ خودم با باکی است.

۳۲. نقل‌قول‌ها از مصاحبهٔ حضوری‌ام با بینستد هستند.

33. Basner et al., "Psychological and Behavioral Changes During Confinement in a 520-Day Simulated Interplanetary Mission to Mars."

۳۴. این گفت‌وگو از یکی از قسمت‌های پادکست گیملت به نام «The Habitat» است.

35. Yudkin et al., "The Perception Gap."

36. Moore-Berg et al., "Exaggerated Meta-Perceptions Predict Intergroup Hostility Between American Political Partisans."

37. Geiger, "For Many Voters, It's Not Which Presidential Candidate They're for but Which They're Against."

38. Yudkin et al., "The Perception Gap."

39. Chernow, *Alexander Hamilton*.

40. Washington, George. "Washington's Farewell Address to the People of the United States."

پیشنهاد می‌کنم این سند را کامل بخوانید. عجیب است که ببینیم در آن گذشته‌های دور کسی آسیب‌های سیاستمداران را تا این حد سراسرست پیش‌بینی کرده است. این سند را می‌توانید از بسیاری از منابع به دست بیاورید که از قضا وب‌سایت سنا هم جزء آن‌هاست: www.senate.gov.

41. Ferguson, "War Is Not Part of Human Nature."

42. Christakis, *Blueprint: The Evolutionary Origins of a Good Society*.

43. Drutman, *Breaking the Two-Party Doom Loop: The Case for Multiparty Democracy in America*.

۴۴. همان.

45. Fischer et al., "The Impact of Electoral Systems and Outcomes on Mass Attitudes: Experimental Attitudes."

[۳] آتش‌زنه‌ها



۱. روایت‌های شاعرانه و تخیل‌مبنای زیادی از جدال هتفیلدها و مکوی‌ها وجود دارد. من بیشتر بر نسخه‌ی شواهد‌مبنایی تکیه کرده‌ام که در کتاب زیر یافت می‌شود:

Feud: Hatfields, McCoys, and Social Change in Appalachia, 1860-1900 by historian Altina Waller.

2. Hatfield, "Letter to the Editor."

۳. اولین بار در همایشی به میزبانی امرسون کلکتیو در سان‌فرانسیسکو با کرتیس آشنا شدم. امرسون کلکتیو سازمان مشاوره‌ی تأثیرگذاری اجتماعی است که در بحث روزنامه‌نگاری، آموزش و پرورش و زمینه‌های دیگر سرمایه‌گذاری می‌کند. در آن زمان، عضو امرسون کلکتیو بودم و کرتیس برای مؤسسه‌ی کرد در شیکاگو کار می‌کرد که تحت حمایت مالی همان سازمان است. عضویتم مدت‌هاست به پایان رسیده و حالا هیچ پیوند مالی‌ای با کرتیس یا کرد ندارم، اما واقعاً خوشحالم که امرسون کلکتیو ما را با هم آشنا کرد.

۴. بندیکت اندرسون، دانشمند علوم سیاسی، این تلقی از هویت ملی را «اجتماعی خیالی» می‌نامد، یعنی جمعی از مردم که حس می‌کنیم پیوندی با آن‌ها داریم. ن.ک:

Anderson, *Imagined Communities: Reflections on the Origins and Spread of Nationalism*.

5. Sapolsky, *Behave*.

6. Hirt et al., "Costs and Benefits of Allegiance: Changes in Fans' Self-Ascribed Competencies After Team Victory Versus Defeat."

7. Carlson, "Nixon Daughters Bury the Hatchet."

8. Stewart et al., "Adult Sibling Relationships: Validation of a Typology."

9. Carlson, "Nixon Daughters Bury the Hatchet."

بنیاد نیکسون به درخواستم مبنی بر صحبت مستقیم با خواهرها پاسخ نداد، بنابراین مجبور شدم به گزیده‌های اخبار مربوط به این اختلاف اکتفا کنم. خیلی کنجکاو که ماجرا را از زبان خود خواهران نیز بشنوم، البته اگر روزی حاضر شوند در میان بگذارند.

10. Martelle et al., "Bequest Leads to Deep Rift for Nixon Kin."

11. Pfeifer et al., "Views Emerge in Rift Between Nixon Sisters."

12. Dahlburg and Pfeifer, "For Feuding Nixon Sisters, Finally a Peace with Honor."

13. Associated Press, "Nixon Sisters Debate Library Fund."

۱۴. دارودسته بلک پی استونز را یوجن هرستون معروف به «گاونر» و جف فورت در اوایل دهه ۱۹۶۰ ساختند و نام آن تا کنون چندین بار تغییر کرده است. جزئیات مربوط به جف فورت براساس مصاحبه‌هایم با کرتیس و گزیده‌های اخبار و کتاب‌هاست، به خصوص این کتاب:

Moore and Williams, *The Almighty Black P Stone Nation: The Rise, Fall, and Resurgence of an American Gang*.

15. Smothers, "Jeff Fort: A Gangster Who Survives."

16. Bass, "What Really Causes Civil War?"

۱۷. برای آگاهی بیشتر از جهت‌دهی هویت، ن.ک:

Klein, *Why We're Polarized*.

18. Sherman, "Grit Turns Warehouse into School of Winners."

19. Reardon, "Redlining Drains City, Aids Suburbs."

20. Greater Chatham Initiative, "History: Auburn Gresham."

21. Davidson and Recktenwald, "Bullets End Benjy's Fight to Be the Best."

22. Associated Press, "Rev. Jesse Jackson Eulogizes Ben Wilson."

23. Lindner, "Genocide, Humiliation and Inferiority."

24. Lindner, "Making Enemies Unwittingly."

25. Friedman, "The Humiliation Factor."

26. Gilligan, *Violence: Reflections on a National Epidemic*.

27. Lindner, "Making Enemies Unwittingly."

28. Frijda, "The Lex Talionis: On Vengeance."

29. CNN.com, "N. Ireland Process: Where Did It Go Wrong?"

30. Barrett, *How Emotions Are Made*.

ضمناً، برای ماجرای تأثیرگذار تفسیر انسان‌ها از احساسات، اپیزود ۲۲ ژوئن ۲۰۱۷ از پادکست زیر را توصیه می‌کنم:

NPR's *Invisibilia* podcast, "Emotions".

31. Briggs, *Never in Anger: Portrait of an Eskimo Family*.

32. PI, "Swift Justice Sought for Wilson Attackers."

۳۳. بیلی عضو میدان گانگستر بود که نباید آن را با دیگر سازمان‌های رقیب همچون میدان سیاه اشتباه گرفت. کرتیس دارودسته بیلی را با اسم کلی «میدان» می‌خواند و من هم در سرتاسر کتاب همین کار را کرده‌ام.

34. Hedges, *War Is a Force That Gives Us Meaning*.

۳۵. اصطلاح فنی مربوط به این مفهوم «نظریه احساسات میان‌گروهی» است که ارجاع دارد به تجربه احساسات به شکل نیابتی، یعنی از طرف دیگر هم‌گروه‌ها. این نظریه را روان‌شناسان اجتماعی دایان ام. مکی و الیوت آر. اسمیت مطرح کردند. ن.ک:

Mackie et al., "Intergroup Emotions Theory."

36. Twain, *Adventures of Huckleberry Finn*.

37. Halperin, *Emotions in Conflict*.

۳۸. توضیح اینکه استونزی‌ها و میدان چطور خود را از دیگری بازمی‌شناختند از مصاحبه‌هایم با کرتیس به دست آمده است. میدان (و دیگر استونزی‌ها) شاید چیزهای دیگری درباره این جزئیات به یاد داشته باشند.

۳۹. بخش مربوط به بازشناسی در ایرلند شمالی برگرفته از رساله‌ای بسیار جذاب به قلم مگان آن مگوایر است:

"Verbal and Visual Symbolism in Northern Irish Cultural Identity."

40. Ahler and Sood, "The Parties in Our Heads."

41. Lee, "How the Politicization of Everyday Activities Affects the Public Sphere."

۴۲. برای خواندن جستاری ارزشمند درباره انتقام، ن.ک:

Frijda, "The Lex Talionis: On Vengeance."

فریدا می‌نویسد «انتقام تعدیلگر قدرت اجتماعی است در جامعه‌ای که عدالت مرکزی ندارد».

43. Associated Press, translated statement.

44. Wang, "National Humiliation, History Education, and the Politics of Historical Memory: Patriotic Education Campaign in China."

45. Rovenpor et al., "Intergroup Conflict Self-Perpetuates via Meaning."

46. Fearon, "Civil War and the Current International System."

47. Widmer and Pavesi, "Monitoring Trends in Violent Deaths."

۴۸. براساس داده‌های پلیس فدرال، در سال ۲۰۱۸، آمار قتل در سنت لوئیس ۶۰ فقره به‌ازای هر ۱۰۰ هزار نفر بود. آمار قتل شیکاگو ۲۱ فقره به‌ازای هر ۱۰۰ هزار نفر بود. آمار جهانی قتل از منبع زیر برگرفته شده‌اند:

El Consejo Ciudadano para la Seguridad Pública y la Justicia Penal, "Metodología del Ranking (2018) de las 50 Ciudades Más Violentas del Mundo."

۴۹. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره‌ی هم‌بستگی یا عدم‌هم‌بستگی تنوع با جنگ، تحلیل دانشمندان علوم سیاسی، جیمز فیرون و دیوید لایتین، از ۱۲۷ جنگ داخلی بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۹ را بخوانید:

Fearon and Laitin, "Ethnicity, Insurgency and Civil War."

50. Ingraham, "There Are More Guns than People in the United States, According to a New Study of Global Firearm Ownership."

51. OECD, "Better Life Index."

52. Roman, "The Puzzling Relationship Between Crime and the Economy."

53. Kleinfeld, *A Savage Order*.

54. Grossman et al., *The Encyclopedia of Chicago*.

55. Lesy, *Murder City: The Bloody History of Chicago in the Twenties*.

56. Simpson et al., "Continuing Corruption in Illinois."

۵۷. این آمار متعلق به سال‌های ۱۹۷۶ تا ۲۰۱۸ است.

Simpson et al., "Continuing Corruption in Illinois."

۵۸. قاضی شهرستان کوک، تامس جی. مالونی، در سال ۱۹۹۳ به دریافت هزاران دلار رشوه برای دست‌بردن در سه پرونده قتل و یک پرونده بزهکاری متهم و گناهکار شناخته شد. یکی از این رشوه‌ها از طرف دارودسته الرکن بود، شاخه‌ای از استونز (در زمانی که کرتیس تازه عضو این دارودسته شده بود). مالونی ۱۲ سال در زندان بود و در سال ۲۰۰۸ مُرد.

Jensen, "Thomas J. Maloney: 1925–2008."

59. Mitchell, "Chicago's Dismal Murder Solve Rate Even Worse When Victims Are Black."

60. Jones, "Illinois Residents Least Confident in Their State Government."

۶۱. برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی وضعیت فعلی خشونت دارودسته‌ها در شیکاگو، ن.ک:

Hagedorn et al., "The Fracturing of Gangs and Violence in Chicago."

۶۲. جزئیات مربوط به اعتیاد والتر هندرسون، ناپدری کرتیس، از مصاحبه‌هایم با کرتیس و پرونده‌های دادگاه به دست آمده‌اند.

۶۳. جزئیات مربوط به قتل ریتا هندرسون، مادر کرتیس، از گواهی مرگش، اسناد دادگاه شهرستان کوک درباره پیگرد قانونی شوهرش، والتر هندرسون، و تلاش‌های هندرسون در دادگاه استیناف به دست آمده‌اند.

64. Morrison, *The Bluest Eye*.

65. Moore and Williams, *The Almighty Black P Stone Nation*.

۶۶. جزئیات این حادثه و دو دستگیری دیگر که در این فصل آمده‌اند از مصاحبه با کرتیس و اسناد دادگاه شهرستان کوک برگرفته شده‌اند.

[۴] زمان خریدن



1. Chicago, "You're the Inspiration."

2. Torres, *Rido: Clan Feuding and Conflict Management in Mindanao*.

3. Wood, *Friends Divided: John Adams and Thomas Jefferson*.

4. Milbank, *Tears of a Clown*.

۵. مصاحبهٔ یک با فاکس آند فرندز: برای خواندن ماجرای گلن یک از دیدگاه خودش، خواندن کتابش را که در سال ۲۰۱۸ منتشر شد توصیه می‌کنم:

Addicted to Outrage, by Glenn Beck.

۶. مصاحبهٔ یک با مگین کلی، برنامهٔ تلویزیونی «The Kelly File».

7. Schmidle, "Glenn Beck Tries Out Decency."

۸. همان.

۹. مصاحبهٔ یک با سامانتا بی، برنامهٔ تلویزیونی «Full Frontal with Samantha Bee».

۱۰. مصاحبهٔ یک با کریستا تپیت، پادکست رادیویی «On Being with Krista Tippett».

۱۱. مصاحبهٔ یک با پیتز کافکا، «Recode Media with Peter Kafka».

12. CBS DC, "Glenn Beck Says Media Are 'Rat Bastards,' Obama Is a Dictator."

۱۳. مصاحبهٔ یک با کریستینیت، پادکست رادیویی «On Being with Krista Tippett».
14. Leach, "Glenn Beck Dons MAGA Hat: I Will 'Gladly' Vote for Trump in 2020."
15. Bond, "Glenn Beck's TheBlaze to End on Linear TV."
۱۶. ریچل کلاینفلد در کتاب *A Savage Order* توضیح می‌دهد کشورهایی مثل گرجستان چگونه راهی برای خروج از خشونت همه‌گیر می‌یابند. اولین گامی که دولت‌ها برمی‌دارند معامله با جنگ‌سالاران و زمان خریدن است که با اعطای پول و قدرت سیاسی به چریک‌ها در ازای کمی صلح حاصل می‌شود. کلاینفلد این‌ها را «معامله‌های کثیفی» می‌خواند که مثل «توافق‌نامه‌های صلح» میان دارودسته‌های شیکاگو هیچ صلحی به ارمغان نمی‌آورند، بلکه «زمان می‌خرند».
17. Hoffman, "All You Need Is Love."
18. Woodson, *The Mis-Education of the Negro*.
۱۹. پدر فلیگر شخصیت واقعاً جذابی در شیکاگوست و توجهی بیش‌ازاین می‌سزد. برای آشنایی بیشتر با او، پروفایل ۲۰۱۶ اِون اوسنوس در نیویورکر به نام «Father Mike» را ببینید.
20. Butigan, "Chicago's South Side Rises Up Against Gun Violence."
۲۱. بخش مربوط به زاویه دید بیلی از گزارش‌های خبری، مصاحبهٔ حضوری خودم با بیلی مور و زندگی‌نامهٔ خودنوشت او به نام تاوقتی شیر حرف می‌زند (*Until the Lion Speaks*) است که در سال ۲۰۱۹ نوشته، ولی هنوز منتشر نشده است، هرچند در ماه سپتامبر آن را در اختیارم گذاشت. این شرح براساس خاطرات بیلی است؛ هرگز نمی‌توان با قطعیت فهمید آن روز دقیقاً چه اتفاقی افتاده، چون شاهدان مختلف روایت‌های مختلفی داشته‌اند. نامزد بنجی در دادگاه شهادت داد که عمر دیکسون بنجی را گرفته و خواسته از او پول زور بگیرد، سپس به بیلی گفته به بنجی شلیک کند. هم عمر و هم بیلی این ادعا را رد کردند.
۲۲. دادستان نام‌برده در جلسهٔ دادگاه اظهار کرد که بیانیهٔ امضا شده فقط حاوی صحبت‌های بیلی است. این دادستان سرانجام قاضی شد. موفق نشدم روایت بیلی را با او صحت‌سنجی کنم، چون فوت کرده است. همچنین ن.ک:
- Myers, "A Bump, a Taunt—then Death."
23. Myers, "2 Teens Convicted in Murder of Ben Wilson."
24. Pettigrew and Tropp, "A Meta-Analytic Test of Intergroup Contact Theory"; Vezzali and Stathi, eds., *Intergroup Contact Theory*.
25. Abrams et al., "Does Terror Defeat Contact? Intergroup Contact and Prejudice Toward Muslims Before and After the London Bombings."
26. *Oxford Mail*, "Science Writer Wins Award."

27. Lynas, "Lecture to Oxford Farming Conference."

28. Mussen, "Some Personality and Social Factors Related to Changes in Children's Attitudes Toward Negroes."

۲۹. همان؛

Allport, *The Nature of Prejudice*.

۳۰. اگر علاقه دارید بدانید روایت‌های آخرالزمانی مربوط به تغییرات اقلیمی به چه شکل عجیبی ما را اغوا می‌کنند، کتاب زیر را پیشنهاد می‌کنم:

Apocalypse Never: Why Environmental Alarmism Hurts Us All, by Michael Shellenberger.

31. Pyrooz et al., "Criminal and Routine Activities in Online Settings: Gangs, Offenders, and the Internet."

۳۲. جیمز گراسی روان‌شناس پنج راهبرد را شناسایی کرده است که مردم برای مهار احساساتشان از آن‌ها بهره می‌گیرند. ن.ک:

Gross, ed., *Handbook of Emotion Regulation*, especially Chapter 1.

33. Ury, "2016 Dawson High School Graduation Talk." See also Ury, *Getting to Yes with Yourself*.

34. Finkel et al., "A Brief Intervention to Promote Conflict Reappraisal Preserves Marital Quality over Time."

[۵] ایجاد فضا



۱. پیتر تی. کولمن از دانشگاه کلمبیا در مطالعه تعارضات خشونت‌بار در سرتاسر دنیا بارها و بارها شاهد این الگو بوده است. طبق برآورد او، حدود سه چهارم از تعارضات مهارناپذیر در کمتر از ده سال پس از یک شوک سیاسی پایان می‌یابند. مثلاً آخرین باری که آمریکا مثل امروز دچار دودستگی سیاسی بود بعد از جنگ داخلی بوده است. آن دوران دودستگی در دهه ۱۹۲۰ پایان یافت، یعنی بعد از اینکه شوک جنگ جهانی اول تحولی در دنیا ایجاد کرد. برای اطلاعات بیشتر، ن.ک:

Coleman, "COVID Could Be the Shock That Ends Our Deep Divisions."

2. Gottman with Silver, *Why Marriages Succeed or Fail*.

3. Edholm and Gunderson, eds., *Polar Human Biology*.

۴. این سؤال‌ها را خود‌گری ابداع نکرده است. جاستین باریسوی نویسنده آن‌ها را در کتابش هوش هیجانی کاربردی (*EQ Applied*) آورده و به کریگ فرگوسن، کم‌دین و مجری تلویزیونی، نسبت داده است. اما شاید منابع دیگری هم وجود داشته باشد.

5. Feinberg and Willer, "From Gulf to Bridge: When Do Moral Arguments Facilitate Political Influence?"

۶. شایان ذکر است که اگر‌گری سیاست‌مداری در سطح ملی بود دلیل کاملاً موجهی برای درخواست جلسه ویژه در اختیار داشت؛ انجام این کار فوراً موجی از اعانه‌های کارزاری و دنبال‌کننده‌های شبکه‌های اجتماعی را به دنبال می‌داشت. درحال حاضر، سیاست‌مداران رده بالا مشوق‌های خیلی زیادی دارند تا به زبان اخلاقی خود صحبت کنند، نه زبان تمام مردمی که این سیاست‌مداران برای خدمت به آن‌ها انتخاب شده‌اند.

۷. نقل قول یوری برگرفته از منبع زیر است:

Stewart, "Expand the Pie Before You Divvy It Up."

8. King, *Mindful of Race*.

[۶] مهندسی معکوس



1. Humphreys and Weinstein, "Demobilization and Reintegration."

2. Felter and Renwick, "Colombia's Civil Conflict."

3. Jewish Virtual Library, "Vital Statistics: Total Casualties, Arab-Israeli Conflict."

4. United Nations, "4 Out of 10 Child Soldiers Are Girls."

5. Fattal, *Guerrilla Marketing*.

۶. کشتن غیرنظامیان به دست ارتش را در کلمبیا با نام رسوایی «مثبت‌های کاذب» می‌شناسند. ن.ک:

Parkin Daniels, "Colombian Army Killed Thousands More Civilians than Reported, Study Claims."

7. UNHCR, "Colombia."

۸. ایده خوان پابلو آپاریسیو در سال ۲۰۲۱ به مقاله‌ای پژوهشی تبدیل شد و مایکل جتر و کریستوفر پارسونز نیز در تألیفش با او همکاری داشتند:

“For FARC’s Sake: Demobilizing the Oldest Guerrilla in Modern History.”

او یک نسخه از مقاله را پیش از مراحل داوری در اختیارم گذاشت.

9. Yanagizawa-Drott, “Propaganda and Conflict: Evidence from the Rwandan Genocide.”

10. Aparicio et al., “For FARC’s Sake.”

۱۱. توضیح وب سایت ادغام مجدد در جامعه کلمبیا در دوران خروج ساندرا از حالت جنگی برگرفته از مصاحبه‌ام با او و نیز از نسخه بایگانی شده سایت است که در سال ۲۰۲۰ از طریق سرویس وی‌بک ماشین در وب سایت Archive به دست آوردم. وقتی ساندرا به این وب سایت دسترسی پیدا کرد، این نام را داشت:

Office of the High Commissioner for Social and Economic Reintegration of the Presidency of the Republic (Alta Consejería para la Reintegración Social y Económica de la Presidencia de la República).

در سال بعد، این دفتر اسمش را عوض کرد و آژانسی تمام عیار شد. متأسفانه بایگانی حاوی نسخه سال ۲۰۱۰، یعنی زمان دسترسی ساندرا به آن، نیست. اما نسخه‌ای از سال ۲۰۰۹ موجود است که احتمالاً خیلی شبیه باشد.

12. Mandela, *Long Walk to Freedom: The Autobiography of Nelson Mandela*.

13. McDermott, “Criminal Activities of the FARC and Rebel Earnings.”

14. Nussio and Ugarriza, “Why Rebels Stop Fighting.”

۱۵. وقتی کیمبرلی تیدون انسان‌شناس با ۱۱۲ چریک سابق در کلمبیا مصاحبه کرد، بیش از نیمی از آن‌ها گفتند جنگ را به این دلیل ترک کرده‌اند که از زندگی چریکی «خسته» و «جان به لب» شده‌اند. تیدون می‌نویسد آن‌ها از «گرسنگی شدید، روزها و هفته‌ها بی‌خوابی، بیمارشدن بدون دسترسی به پزشک و دارو، زندگی پنهانی در ترس، اجبار به کشتن و تماشای دیگران حین کشتن ...» گلیه می‌کردند:

Theidon, “Transitional Subjects: The Disarmament, Demobilization and Reintegration of Former Combatants in Colombia.”

16. Kaplan and Nussio, “Explaining Recidivism of Ex-Combatants in Colombia.”

۱۷. گفتیم پیدا کردن کار نسبت به روابط خانوادگی نقش کم‌رنگ‌تری داشته است. در این مورد بخصوص، شاید دلیلش این باشد که چریک‌های سابق در طرح ادغام مجدد در جامعه از دولت کمک خرج می‌گرفتند. این نیز شایان ذکر است که خانواده گاهی آدم را به سمت هویت تعارضی سوق می‌دهد، نه دور از آن. بعضی از اعضای فارک در کودکی به چریک‌ها پیوستند تا از آزار جنسی و جسمی از سوی خانواده‌هایشان بگریزند. به این سادگی‌ها هم نیست.

18. Nussio, "Ex-Combatants and Violence in Colombia: Are Yesterday's Villains Today's Principal Threat?"

19. Gibson, "Reintegration or Segregation? How Perceptions of Ex-Combatants and Civil Society Affect Reintegration (and Peace) in Colombia."

20. Brusset and Otto, "Evaluation of Nashe Maalo"; and Estes, "Radio Soap Operas Teach Conflict Resolution." Search for Common Ground has produced other popular shows in Burundi, Sierra Leone, Liberia, Congo, Angola, Indonesia, Ukraine, and the Palestinian territories.

21. CPP Inc., "Workplace Conflict and How Businesses Can Harness It to Thrive."

22. Sofield and Salmond, "Workplace Violence: A Focus on Verbal Abuse and Intent to Leave the Organization."

23. Pillemer, *Fault Lines*.

۲۴. براساس اطلاعات یکی از مقاله‌های امریکن ژورنال آو فمیلی تراپی، طلاق‌های حاصل از تعارض افراطی دارای «گفت‌وگوهای منفی فراگیر» در «محیط عاطفی خصمانه و ناامن» هستند. ن.ک:

Anderson et al., "Defining High Conflict," and Whiteside, "The Parental Alliance Following Divorce: An Overview."

۲۵. آمار سالانه طلاق‌های حاصل از تعارض افراطی برآورد خودم است که، براساس داده‌های طلاق مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری آمریکا در سال ۲۰۱۸، برابر با یک چهارم تمام طلاق‌ها در آمریکا بوده است.

[۷] پیچیده‌سازی روایت



۱. از ملیسا واینترآوب از مؤسسه چینش دوباره میز متشکر که (با اجازه رولی) به من گفت بی جی می‌تواند الگوی خوبی باشد از اینکه سازمان‌ها چگونه می‌توانند فرهنگ تاب‌آوری بیشتر در برابر تعارض را بیورزند. برای اطلاعات بیشتر درباره مؤسسه چینش دوباره میز به وب‌سایتشان مراجعه کنید: www.resettingthetable.org

2. Matalon et al., "B'nai Jeshurun Leadership E-mail on Palestine."

3. Otterman and Berger, "Cheering U.N. Palestine Vote, Synagogue Tests Its Members."

4. Matalon et al., "Second B'nai Jeshurun Leadership E-mail on Palestine."

5. Rosenblatt, "Fuel for Debate over Rabbis' Role."

۶. همان.

7. Cohen and Gitlin, "Reluctant or Repressed?"

۸. بخشی از این پژوهش را برای مقاله‌ای انجام داده بودم که با حمایت سولوشنز ژورنالیسم نتورک درباره روزنامه‌نگاری می‌نوشتم.

Ripley, "Complicating the Narratives."

۹. برای آشنایی بیشتر با آزمایشگاه گفت‌وگوهای دشوار و پژوهش جذاب کولمن و همکارانش، ن. ک:

Coleman, *The Five Percent: Finding Solutions to Seemingly Impossible Conflicts*.

۱۰. برای روزنامه‌نگارانی که علاقه دارند گوش‌سپاری را بهتر بیاموزند دو پیشنهاد دارم. اول اینکه می‌توانید سولوشنز ژورنالیسم نتورک را به تحریریه‌تان دعوت کنید تا مهارت‌های پیچیده‌سازی روایت را یاد بدهند (به وب‌سایت solutionsjournalism.org مراجعه کنید). به لطف نبوغ هلن بیان‌دولی، روزنامه‌نگاران در زمان کمی می‌توانند حلقه‌بندی را بیاموزند و یاد بگیرند چطور به پوشش خبری تعارض بپردازند تا کنجکاوی احیا شود. دوم اینکه نیم‌نگاهی به هارکن (Hearken) داشته باشید، شرکتی که به سازمان‌ها کمک می‌کند به صورت نظام‌مند به حرف مخاطبان‌شان گوش فرادهند. یکی از مؤسسان این شرکت جنیفر بزندل است. هارکن به روزنامه‌نگاران کمک می‌کند تا، به جای اینکه به مردم بگویند چه فکری داشته باشند، به آن‌ها خدمت کنند. شعارشان «روزنامه‌نگاری از طریق فروتنی» است که ظاهراً همان چیزی است که این روزها بدجور به آن نیاز داریم. به وب‌سایت‌شان سر بزنید: wearehearken.com.

۱۱. سومین تناقض تعارض برگرفته از گفت‌وگویم با کترین کانر، میانجیگر، معلم و وکیل کالیفرنایی، است که گفت چنین تناقضی را در موکلانش مشاهده کرده است. این تناقض به یکی از اصول گشتالت درمانی به نام «نظریه تناقض تغییر» مربوط است که، براساس آن، فرد هرچه بیشتر بکوشد تغییر کند و چیزی شود که واقعاً نیست، بیشتر ثابت می‌ماند. طبق این نظریه، فرد باید ابتدا خودش را چنان‌که هست بپذیرد. در تعارض هم اتفاقی مانند این می‌افتد. زیر بار تغییر نمی‌رویم مگر اینکه حس کنیم درکمان کرده‌اند. برای مطالعه بیشتر در این باره، مقاله آرنولد بایسر را بخوانید که ابتدا در کتاب زیر منتشر شد:

"The Paradoxical Theory of Change" by Arnold Beisser, in the 1970 book *Gestalt Therapy Now* by Joan Fagan and Irma Lee Shepherd.

۱۲. از الهه ایزدی، خبرنگار واشنگتن پست، ممنونم که مرا با پژوهش‌های جان فرانکلین آشنا کرد. فرانکلین این نکته را در کتاب فوق‌العاده‌اش به نام *Writing for Story* تشریح می‌کند.

۱۳. تایلر کاوین اقتصاددان در سخنرانی تد در سال ۲۰۰۹ (Be Suspicious of Simple Stories) هشدار

می‌دهد «از داستان‌های ساده برحذر باشید». به خصوص عاشق این سطر: «تصور کنید هربار که داستانی به سبک نیک علیه شر می‌گویید، اصولاً ضریب هوشی‌تان را ده نمره یا بیشتر پایین می‌آورید».

۱۴. میانجیگرهای مؤسسه چینش دوباره میز برگشتند تا طرح اولیه سری دوم برنامه‌ها را انجام دهند و بعد بخش اعظم پروژه را به آدنا فیلیپس، مشاور تغییر سازمانی، سپردند.

15. New York *Daily News*, "Clown Runs for Prez."

16. Haberman and Lipton, "Nobody Waved Goodbye."

۱۷. در طول این طرح تبادل، با میندی فرومن مصاحبه کردم و او را زیر نظر داشتم، هم او را و هم دیگر شرکت‌کنندگانی را که در این فصل معرفی شدند. از جستار صادقانه (و بامزه) میندی نیز فیض بردم که درباره این تجربه بود و میندی آن را با تمام گروه به اشتراک گذاشت.

۱۸. مباحثاتی وجود دارد درباره اینکه شاید حزب جمهوری خواه دو ماه قبل از اتفاق یادشده و در ریون ویسکانسین شکل گرفته باشد، اما بسیاری از مردم می‌شیگان مُصرانه معتقدند که نقطه شروع این حزب جکسون بوده است. دایرةالمعارف بریتانیکنیز در مدخل مربوط به شکل‌گیری این حزب از هر دو مکان یاد کرده است.

۱۹. در سال ۱۹۷۳، تازه عروس و دامادها در حدود ۵۴ درصد از موارد دیدگاه سیاسی مشابهی را گزارش دادند. در سال ۲۰۱۴، این رقم ۷۴ درصد بود.

Iyengar et al., "The Home as a Political Fortress: Family Agreement in an Era of Polarization."

20. Pettigrew, "European Attitudes Toward Immigrants."

21. Iyengar et al., "The Home as a Political Fortress."

۲۲. برای مطالعه نمونه‌ای از اینکه تنوع سیاسی چطور می‌تواند به غنی‌تر شدن زندگی بینجامد، مقاله‌ام در سال ۲۰۱۹ برای آتلانتیک را بخوانید:

"The Least Politically Prejudiced Place in America."

۲۳. آمار قتل در لنسینگ در سال ۲۰۱۸ برابر با ۶/۸ فقره به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر بود. این آمار براساس ۸ قتل گزارش شده در سال ۲۰۱۸ در جمعیتی برابر با ۱۱۸ هزار و ۲۱۰ نفر است. از سویی، همان سال در نیویورک ۲۹۵ فقره قتل وجود داشت که در جمعیتی برابر با ۸٫۳ میلیون نفر بود. با این حساب، آمار قتل می‌شود ۳٫۶ فقره به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر.

۲۴. در وب‌سایت بی‌جی می‌توانید اندی پاتر و همکارانش را در حال خواندن این نامه ببینید. جست‌وجو کنید: *B'nai Jeshurun November 10, 2018*.

پیوست یک: چگونه به وجود تعارض افراطی در دنیا پی ببریم؟



1. Castle, "Wolves, Resurgent and Protected, Vex Swedish Farmers."
2. Agence France-Presse, "Sheep Flock to Eiffel Tower as French Farmers Cry Wolf."
3. Wheat, "Crying Wolf."
4. Todd, "French Farmers Take Park Boss Hostage over Wolf Attacks."
5. Taylor, "Wild Wolf Shot and Killed in Denmark."

پیوست سه: چگونه از تعارض افراطی پیشگیری کنیم؟



۱. ماجرای این پروژه را در خلال مصاحبه‌هایم با هانس پیتر هانسن شنیدم و خود هانسن لطف کرد و مرا با شرکت‌کنندگان طرح نیز آشنا کرد. از رساله فوق‌العاده آنه کاترین مونچ شرودر، که درباره این پروژه بود، نیز بهره گرفتم:

"In the Wake of the Wolf"

۲. نقل قول فاس در منبع زیر درج شده است:

Bernstein, "Worried About a Difficult Conversation?"

برای اطلاعات بیشتر، ن.ک:

Voss, *Never Split the Difference*.

نمایه



آبی ترین چشم (تونی موريسون) ۱۶۳	آزمایشگاه عشق (سیاتل) ۲۶۷
آپاریسو، خوان پابلو ۱۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۸-۲۴۱،	آزمایشگاه گفت وگوهای دشوار (دانشگاه کلمبیا)
۳۳۷، ۲۴۹، ۲۴۷	۲۶۶، ۲۶۷، ۲۷۲، ۳۴۲
آتش بس ۱۸۷، ۲۱۰	آکلزبرگ، مارتا ۱۴، ۲۷۵، ۲۸۲، ۲۹۹
آتش درون ۱۴۴	آلپورت، گوردون (ماهیت پیش داوری) ۳۱، ۶۸
آتش زنه ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۴۰، ۲۳۵	آلمان ۲۳، ۱۳۱، ۱۷۸، ۳۰۳، ۳۰۵
آدامز، جان ۶۵-۶۸، ۷۲، ۱۱۰، ۱۴۲، ۱۷۵، ۱۷۶،	آمار قتل ۱۵۷، ۱۵۸، ۲۹۴، ۳۳۵، ۳۴۳
۲۱۷	اتحادیه اروپا ۷۲، ۷۳، ۳۰۴
آدامز، جری ۶۵-۶۸، ۷۲، ۱۱۱، ۱۴۲، ۱۷۵، ۱۷۶،	ادغام مجدد در جامعه ۲۳۱-۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۵،
۲۱۷	۳۴۰
آرام پز ۹، ۱۲، ۵۲، ۵۳، ۵۸، ۶۱، ۶۷، ۸۷، ۱۱۱،	ارتش کلمبیا ۲۳۶، ۲۴۲، ۲۴۷
۱۱۹، ۱۲۲، ۲۱۶، ۲۶۴، ۳۱۱، ۳۱۲	اردوغان، رجب طیب ۱۳۵
آرتور، جلان ۲۰۴، ۲۰۶	اردوگاه های کار اجباری ۱۴۱

- ارزیابی مجدد ۲۰۸
 ایهوما (خودمهاری عمیق) ۱۴۴
 ارلیش، جاش ۱۰۱، ۲۲۰
 ازدواج با غیریهودیان ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۴
 اسپیس شپ مدیا ۳۱۸
 استونز، بلک پی استون (دارودسته) ۱۳، ۱۲۵،
 ۱۳۰، ۱۳۳-۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۵-۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۲،
 ۱۵۳، ۱۶۱-۱۶۴، ۱۶۶-۱۶۸، ۱۷۲، ۱۸۵-۱۸۷،
 ۱۹۱، ۲۰۹، ۲۱۳، ۳۳۳، ۳۳۵
 اسرائیل ۲۴، ۲۳۲، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۷
 اسمایلی، ماریکو ۵۹
 اشتاینمایر، فرانک والتر ۲۳
 اقلیت جنسیتی / اقلیت‌های جنسیتی ۲۹۲
 اعطای امتیاز نمادین ۲۱۷، ۳۰۹
 امت اسلام ۱۸۸
 انتقام ۴۵، ۱۱۸، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۶،
 ۱۶۲، ۱۷۴، ۱۸۰-۱۸۲، ۱۹۴، ۲۰۶، ۳۳۴
 انور سادات ۲۱۷
 اوباما، باراک ۱۰۹، ۱۵۴، ۱۷۸، ۱۸۰، ۲۰۳، ۲۷۹،
 ۳۰۴
 اوتکوها (گروه اسکیمو) ۱۴۴، ۱۴۵
 اوگاریسا، خوان ۲۴۷، ۲۴۸
 ایرلند شمالی ۱۲، ۱۴۲، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۲۰۰،
 ۳۳۴
 پاتر، اندی ۲۷۵، ۳۴۳
 پ
 برادران داسلر ۱۳۱
 برج ترامپ ۲۷۵، ۲۹۳
 برخمان، روتخر (بشویت) ۳۱۵
 برگر، وارن ارل ۴۶
 برگزیت ۲۳، ۲۵۲، ۲۵۴
 برنامه جهانی غذا ۲۸
 برنباوم، ایو ۲۶۰، ۲۶۱
 بریتانیا ۴۵، ۷۲، ۷۳، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۹۷، ۱۹۹
 بریج‌الاینس ۳۱۷
 بریگز، ژان ۱۴۴
 بس، گری ۱۳۵
 بک، گلن ۱۷۹، ۱۸۰
 بن‌لادن، اسامه ۱۵۳
 به‌آغوش‌کشیدن تعارض / راه چهارم ۱۰، ۲۷۲
 به‌چالش‌کشیدن تعارض (فریدمن و هیملشتاین)
 ۱۱، ۵۴، ۱۰۲، ۳۲۷
 بوستوس، ساندرا میلیه‌نا برا ۱۳، ۲۱، ۲۲۹، ۲۹۹
 بیماری جنون گاوی ۱۶
 بینستد، کیم ۹۹، ۱۰۰، ۳۳۱
 پ
 پاتر، اندی ۲۷۵، ۳۴۳

- پاسترایش، پیتر ۵۹، ۶۲
- پاسو، شولی ۲۷۷
- پدران بنیانگذار ۱۱۰
- پرچم‌های کاذب ۴۹
- پروژه گفت‌وگوی گرگ ۳۱۲، ۳۱۷، ۳۱۸
- پشت‌ورو (فریدمن) ۹۵
- پیچیدگی ۸۶، ۱۱۸، ۱۹۷، ۲۲۵، ۲۶۸-۲۷۲،
- ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۳، ۳۱۴
- پیچیده‌سازی روایت ۲۵۹، ۲۷۱، ۳۴۱، ۳۴۲
- ت**
- تاب‌آوری ۱۴۹، ۲۶۵، ۲۷۴، ۲۹۱، ۲۹۹، ۳۱۱،
- ۳۱۵، ۳۴۱
- تایفل، هنری ۶۹
- تحقیر ۱۰، ۳۵، ۶۶، ۶۷، ۸۲، ۹۲، ۹۶، ۱۰۴، ۱۰۹،
- ۱۲۰، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۳۹-۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۸،
- ۱۴۹، ۱۵۲-۱۵۴، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۸۲،
- ۳۱۴، ۳۱۷
- تحقیر جمعی ۱۴۳
- تراستینگ نوز ۳۱۸
- ترافع ۴۵، ۴۶، ۱۵۷، ۳۲۶
- ترامپ، دونالد ۲۱، ۳۰، ۳۲، ۶۷، ۷۴، ۸۹، ۹۲،
- ۹۳، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۳۵، ۱۵۴، ۱۷۹، ۱۸۰، ۲۷۴،
- ۲۷۵، ۲۷۷-۲۷۹، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۳،
- ۲۹۷، ۳۰۱، ۳۰۴
- ترفندهای تعارض ۲۰۷
- تروریسم ۲۲، ۱۵۵، ۱۶۱، ۱۸۳، ۲۳۶، ۲۹۹
- تریپ، جرمی ۲۹۶
- تریمبولی، آسکر ۳۱۶
- تشکیلات تعارضی صنعتی ۲۵۷، ۲۸۸، ۲۹۷،
- ۳۰۹
- تظاهرات «جان سیاه‌پوستان مهم است» ۹۳،
- ۲۸۱، ۲۸۶، ۳۲۴
- تعارض افراطی ۹-۱۱، ۱۴، ۱۸-۲۲، ۲۴-۲۶،
- ۲۸-۳۲، ۳۵، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۵۳، ۶۷، ۸۹، ۹۷،
- ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۲۲، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۵۷، ۱۶۳،
- ۱۷۳-۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۹۶، ۱۹۷-۱۹۹،
- ۲۰۱-۲۰۳، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۳۰-۲۳۳،
- ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۷-۲۴۹، ۲۵۱،
- ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۷۱، ۲۹۱، ۳۰۰،
- ۳۰۱-۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۷-۳۰۹، ۳۱۱-۳۱۳، ۳۱۹،
- ۳۲۳، ۳۴۱، ۳۴۴
- تعارض سازنده ۱۰، ۱۸، ۱۹، ۲۶، ۴۴، ۲۶۶،
- ۲۷۵، ۲۹۸، ۳۰۷، ۳۱۳، ۳۱۹
- تعارض سالم؛ ن.ک: تعارض سازنده ۱۰، ۱۸،
- ۲۰، ۳۲، ۴۴، ۲۱۱، ۲۵۶، ۲۶۹
- تعارض گرگ‌ها ۳۰۵، ۳۰۶
- تعارض گروهی ۱۲۷، ۲۹۰، ۳۰۱

تعارض آفرینان ۹، ۱۰، ۱۱۹، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۵۳-۱۵۶، ۱۷۸، ۱۸۲، ۲۰۷، ۲۱۹، ۲۳۹، ۲۵۳، ۲۸۵، ۳۴۳، جکسون، جسی ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۹، ۱۴۵، ۱۹۴،

۳۰۵، ۳۱۴ جکسون، مایکل ۱۲۳، ۱۲۴

تناقض شماره ۱ تعارض افراطی ۱۱ جمهوری خواهان ۲۲، ۶۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۵۱،

تناقض شماره ۲ تعارض افراطی ۱۱ ۱۵۲، ۱۶۰، ۱۷۹، ۲۷۸، ۳۳۰

تناقض شماره ۳ تعارض افراطی ۱۱ جنبش آمریکای یکدل ۳۱۷

تنفس مبارزهای ۲۰۸ جنگ های طایفه ای ۴۸، ۱۱۹، ۱۶۱

توافق نامه عدم تعرض ۲۰۵، ۲۰۶ جونیور، جی باکی ۹۸، ۲۴۶، ۲۵۰

تواین، مارک (ماجراهای هاگلبری فین) ۱۴۸ جیمیسون، آلیسون ۱۶۱

تولر، کرتیس ۱۳، ۲۰، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۸۴، ۲۹۹

توماس، آیزایا ۶۵، ۱۴۰، ۱۷۵، ۱۸۷، ۲۹۰

توهم رساندن منظور ۱۰، ۸۴، ۸۵، ۱۰۷

تویستر ۲۳، ۳۰، ۴۷، ۸۷، ۱۱۴، ۱۶۶، ۱۷۹، ۲۴۰،

۲۸۸، ۳۰۶

تیپت، کریستا ۱۷۹، ۳۳۶، ۳۳۷

تیراندازی در کنیسه پیتسبرگ (۲۰۱۸) ۲۹۶

تئوری های توطئه ۱۴۷، ۳۰۳

ج

جابلین، جنیس ۵۵

جام جهانی (۲۰۱۴) ۲۴۳

جام جهانی (۲۰۱۸) ۲۳۸

جردن، مایکل ۴۹، ۱۳۷

جفرسون، توماس ۶۵-۶۸، ۷۲، ۱۱۰، ۱۷۵،

۱۷۶، ۲۱۷

ح

حلقه بندی برای درک ۱۱

حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۱) ۱۴۷،

۱۵۳، ۱۵۵، ۲۸۷

حملات داعش (۲۰۱۵، پاریس) ۱۵۶

حمله به قلب (آلیسون جیمیسون) ۱۶۱

چ

چاوز، هوگو ۲۰۹، ۲۱۰

چرتاف، مایکل ۱۵۵

چرخه های تعارض ۲۱۰، ۲۴۹، ۲۵۶، ۲۶۲

چرخه بازخورد ۲۱۷

چه گوارا ۲۳۷

چین ۲۹، ۳۰، ۱۵۴

چینش دوباره میز ۲۶۳، ۲۷۳، ۳۱۷، ۳۴۳

دمکرات‌ها ۲۲، ۶۶، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۵۱،

خ

۱۵۲، ۱۶۰، ۲۷۰، ۳۳۰

خشم ۱۸، ۲۳، ۴۴، ۵۶، ۷۴، ۸۷، ۹۰، ۹۲، ۹۸،

دوری‌گزینی ۲۲۱

۱۰۴، ۱۳۲، ۱۳۹، ۱۴۳-۱۴۵، ۱۴۸، ۱۶۳، ۱۷۸،

دوکه مارکز، ایوان ۲۵۴

۱۷۹، ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۱۰، ۲۲۷، ۲۶۲

دولت همدست در پاکستان ۱۵۸، ۱۵۹

خطای بنیادی اسناد ۱۰، ۳۳۰

دیکسون، عمر ۱۳۸، ۳۳۷

خلع‌سلاح ۲۳۱

دیلی، ریچارد جی. ۱۶۰، ۱۸۹

خواهران نیکسون ۱۳۲

دیوان عالی (آمریکا) ۴۶، ۱۱۸، ۲۹۵

د

ذ

دام تعارض ۹، ۴۲، ۶۱، ۸۷، ۹۴، ۹۶، ۱۰۷، ۱۱۵،

ذهن‌آگاهی ۲۰۸، ۳۲۹

۱۲۶، ۲۰۹، ۲۶۵، ۲۷۵، ۳۰۵

ر

دانشگاه اسپرینگ آربر ۲۹۸

راجرز، جول آگوستوس (از «ایرانسان» تا به

دانشگاه تولدو ۹۰

انسان) ۱۸۵

دانکن، آرن ۲۰۳

راش، بنیامین ۱۷۵، ۱۷۶

درد / طرد اجتماعی ۳۳، ۴۶، ۴۹، ۵۳، ۸۱، ۹۰،

راهنمای میانجیگری طلاق (فریدمن) ۳۱۳

۹۱، ۹۲، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸،

راونپر، دنیل ۱۵۶

۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۳، ۱۶۲، ۱۶۶،

رأی به ارتقای فلسطین (۲۰۱۲) ۲۶۰

۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۴، ۲۵۷، ۲۷۳، ۳۱۷

رُز، دریک ۱۸۸

دروتمن، لی (شکستن حلقهٔ مخرب دوحزبی)

رفتن به بالکن ۲۰۹، ۲۱۰

۱۱۳، ۱۱۴

رفلکس رانندهٔ نفهم ۱۰، ۸۶، ۸۸، ۱۰۷، ۱۱۵،

دریاچهٔ قیر لایبریا ۱۰، ۴۲، ۴۳، ۳۰۰

۳۳۰

دسته‌بندی ۶۱، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۱۱۴، ۱۱۹،

روآندا ۲۴، ۲۰۵، ۲۳۸، ۲۳۹

۱۵۱، ۲۰۶

رودریگز، خامس ۲۳۴-۲۳۶

دسته‌بندی مجدد / تعریف مجدد

روزنتال، اِزو ۲۶۴

دستیاران هم‌بسته ۳۱۷

سندرز، ساراهاکبی ۹۲، ۹۳	ریدو (شایعه) ۱۷۴، ۱۷۵
سوگیری تأییدی ۹، ۵۰، ۱۱۹	ز
سوگیری نژادی و قومیتی ۷۲	زامبیا ۲۸
سومالی ۱۴۰	زبان پرطمطراق
سیارهٔ میمون‌ها (فیلم) ۶۹	زیردستان ۱۲، ۲۶، ۵۳، ۷۶، ۸۵، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲،
سیدنی ۵۷، ۶۴، ۹۵	۱۶۰، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۶۵، ۲۷۰،
سیرالئون ۲۳۱	۲۷۳، ۳۱۱، ۳۱۹
سیستم عدالت کیفری ۲۷۹	زیرساخت تعارض ۲۶۵، ۲۹۷
سیل خروشان دارودسته‌های خیابانی سیاهان	س
در شیکاگو (اوسنی یوجین پرکینز) ۱۸۵	سازمان آزادی‌بخش فلسطین ۱۸۵، ۲۵۳
ش	سازمان پارک‌های آمریکا ۴۷، ۹۶
شتاب‌بخشی به تعارض ۱۰، ۲۰، ۱۱۹، ۱۲۰	سازمان ملل ۲۸، ۱۵۹، ۲۰۳، ۲۶۱، ۲۶۲
شرکت سیستم‌های فضایی لاکهد مارتین ۱۰۱	سازمان ندامتگاه‌های میشیگان ۲۷۷، ۲۷۹،
شکل‌گیری هویت جدید ۷۰، ۱۶۱، ۱۹۱، ۲۰۱،	۳۰۰
۲۴۹، ۲۵۰	سازمان آزادی‌بخش فلسطین ۱۸۳، ۲۵۱
شیطان‌پنداری ۹۲، ۱۱۱، ۱۷۹، ۱۹۸، ۲۸۸	سازمان پارک‌های آمریکا ۴۷، ۹۴
شیکاگو بولز ۱۸۸، ۱۹۰	سازمان ملل ۲۸، ۱۵۷، ۲۰۱، ۲۶۰
شیکاگو کرد ۱۲۱، ۱۲۲، ۲۰۳-۲۰۷	سازمان ندامتگاه‌های میشیگان ۲۷۵، ۲۷۷،
ط	۲۹۸
طبقه‌بندی مجدد ۱۸۵، ۱۹۷، ۲۰۸، ۲۰۹	سازمان‌های رابطه‌سازی ۳۱۷
طرح تبادل فرهنگی کالج ۲۹۸	سایبربال ۹، ۸۹، ۹۰، ۱۷۷
طرح تبادل فرهنگی کنیسهٔ بنای یشورون	سپتامبر سیاه ۱۸۳، ۲۰۴، ۲۳۷، ۲۵۱
۲۷۶-۲۹۸	سرویس سلامت همگانی (بریتانیا) ۴۵
طرح صلح عربی (۲۰۰۲) ۲۰۲	سمفونی سان فرانسیسکو ۵۸، ۶۲، ۲۷۳، ۳۲۸

- ع
عرفات، یاسر ۱۸۳
- عملیات کریسمس (۲۰۱۰، کلمبیا) ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۲
- ف
فارک (نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا) ۲۳۲، ۲۳۴-۲۳۴، ۲۴۴-۲۴۹، ۲۵۲-۲۵۵، ۳۴۰
- فاس، کریس ۳۱۶، ۳۴۴
- فاستر پارک ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۷۷، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۱، ۲۱۱، ۲۱۲
- فالت، کیلب ۱۴، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۹۹، ۳۰۱
- فاینبرگ، متیو ۲۲۳
- فرشتگان شجاع ۳۱۷
- فرومن، میندی ۲۷۹، ۳۴۳
- فریدا، نیکو ۱۴۱، ۳۳۴
- فریدمن، گری ۱۱، ۱۳، ۱۹، ۳۹، ۸۱، ۹۵، ۹۷، ۱۰۲، ۱۱۸، ۱۴۰، ۲۱۶، ۲۹۹، ۳۲۷
- فلسطین ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۰۴، ۲۵۱، ۲۶۰، ۲۹۷
- فلوید، جرج ۳۲، ۱۱۷، ۲۹۷
- فلیگر، مایکل ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۸، ۲۱۲، ۳۳۷
- فورت، جف ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۷، ۳۳۳
- فونتین، جون ۱۳۱
- فیسبوک ۲۳، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۷۹، ۲۰۵، ۲۸۹، ۲۹۰
- فیشر، مورمن ۷۵
- فینکل، ایلا ۲۱۰
- ق
قدرت دودویی ۱۱، ۹۹، ۱۱۲، ۱۱۵، ۲۵۳
- قرارداد صلح (۲۰۱۶) ۷۳، ۲۳۲
- ک
کاپلان، الیور ۲۵۱
- کاپون، آل ۱۵۹
- کاجینسکی، یاروسلاف ۱۳۵
- کارلسون، مارگارت ۱۳۰
- کالج اوپرلین ۲۹۸
- کاندینسکی، واسیلی ۶۹-۷۲، ۸۲
- کانر، کاترین ۷۵، ۳۰۰، ۳۴۲
- کاون، تایلر ۳۱۷، ۳۴۲
- کرانگه، اولف ۳۰۴، ۳۰۵
- کراوس، ماریانا دیاوس ۲۴۹-۲۵۱
- کرر، رابین ۲۹۱
- کریستاکیس، نیکلاس (نقشه اصلی) ۱۱۱
- کسیدی ۴۷-۴۹، ۵۷، ۹۳، ۹۵
- کله، پاول ۶۹-۷۲، ۸۲
- کلینتون، هیلاری ۲۷۴
- کمونیسم ۱۵۴، ۲۳۶
- کنجکاوای ۲۰-۲۲، ۴۴، ۵۰، ۵۲، ۱۸۴، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۳۸، ۲۶۵-۲۶۹، ۲۷۱-۲۹۵، ۳۰۲
- کول، ۳۰۷، ۳۱۷، ۳۴۲

- کورتیزول (هورمون استرس) ۴۴
کولمن، پیتر تی. ۲۶۶-۲۶۸، ۳۳۸، ۳۴۲
کینگ، روث (آگاهی از نژاد) ۲۲۷
- گ
- گاتمن، جان ۱۱، ۹۶، ۲۲۰، ۲۶۷
گارد قدیم و جدید ۲۱۹
گانندی، مهاتما ۲۶۵
گروه‌های شکارچی گردآورنده ۱۱۱
گریتفول دد (گروه راک) ۵۵
گریز، سایمن ۲۸۳، ۲۷۵
گوش سپاری فعالانه ۱۱، ۲۸۳، ۳۱۵
گیبسون، تاج ۱۸۸
گیلمور، مارک ۲۵
گیلیگان، جیمز ۱۴۱
- ل
- لاتین کینگز (دارودسته) ۱۲۹
لاینس، مارک ۳۳، ۱۹۸، ۲۹۹
لباس (میم اینترنتی سال ۲۰۱۵) ۶۹، ۷۴، ۱۲۴، ۱۳۱، ۱۳۹، ۱۵۱، ۲۳۶، ۲۳۷، ۳۲۹
لناکس، مایک ۲۹۶
لنسینگ، میشیگان ۲۸۲، ۲۸۶، ۲۹۴، ۳۴۳
لِوین، سام ۲۶۱
لیتل، جیسون ۲۰۶
- لیگ صلح ۱۸۶، ۱۸۹، ۲۱۲
لیندنر، اولین ۱۴۰، ۱۴۱
- م
- ماتالون، خوسه رولاندو (معروف به رولی) ۱۴
ماجرای رستوران رد هن (۲۰۱۸)، ویرجینیا ۹۲
مارش، مایکل ۷۳
مارشال، ترگود ۸۰، ۲۶۲
ماعلیه‌آن‌ها ۱۰، ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۴۵، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۲۵، ۲۶۸، ۲۶۹، ۳۰۶، ۳۲۶
مایر، مارشال ۲۶۲
مجلهٔ تایم ۲۲، ۱۱۴
مدیتیشن ۵۷، ۷۵، ۷۷، ۹۴، ۲۱۸، ۲۲۵، ۳۲۹
مدیسون، جیمز ۶۶
مذاکرات صلح (۲۰۰۴) ۱۴۲
مُر این کامن ۴۴، ۳۲۶
مربدان گانگستر (دارودسته) ۱۳، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۹۱، ۳۳۴
مشاورهٔ تروما ۲۰۴، ۲۴۶، ۲۵۲
مقدونیه ۲۵۴
ملک عبدالله (پادشاه عربستان) ۱۰۹
منع ورود مسلمانان ۲۸۷

- مواناواسا، لوی ۲۸
 نوکین، رابرت ۵۸، ۵۹، ۳۲۷
- مودی، نارندرا ۱۳۵
 نیروی احتیاط سپاه تفنگ‌داران دریایی ۲۷۷
- و
 مور، بیلی ۱۳، ۱۷، ۳۳۷
 موسن، پال ایچ ۲۰۰
 مونسانتو ۱۶، ۱۷، ۳۴
 مهاجرت ۲۴، ۵۵، ۷۲، ۷۴، ۱۷۹، ۲۷۷
 مهندسی ژنتیک ۱۶
 میانجیگری ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۵۱، ۵۳
 واینتراوب، ملیسا ۲۶۳، ۲۶۵، ۳۴۱
 وودز، تایگر ۱۴۲
 وودسن، کارتر جی. (آموزش نادرست سیاه‌پوستان)
 ۱۸۵، ۱۸۴
- ن
 ندامتگاه استیت ویل ۱۶۵
 نسبت جادویی ۱۱، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۶۷، ۲۸۳
 ۳۰۹
 نظریه ارتباط ۹، ۱۹۷، ۲۰۰-۲۰۲
 نفرت ۳۵، ۴۱، ۸۰، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۴۸
 ۱۴۹، ۱۸۰، ۲۱۹، ۲۲۷، ۲۵۴، ۲۶۷، ۲۸۲، ۳۰۴
 ه
 هافمن، بروس ۱۸۳
 هالپرین، اران ۱۰۸
 هانسن، هانس پیتر ۳۰۴، ۳۱۱-۳۱۴، ۳۱۶
 ۳۱۸، ۳۴۴
 هاویلند، اولیوادی ۱۳۱
 هایت، جاناتان (ذهن حق به جانب) ۲۲۲
- نوا، جوکیم ۱۸۸
 نوسو، انزو ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۱

هتفیلدها و مکوی‌ها ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۹۵، ۳۳۲

هجز، کریس (جنگ نیرویی است که به ما معنا می‌بخشد) ۱۴۸

همبستگی ۴۵، ۳۳۵

همیلتون، الکساندر ۱۱۰

هولوکاست ۱۴۱، ۱۷۸، ۲۸۷

هویت خانوادگی ۱۲۷

ی

یارمول، روث ۲۷۱

یاناگیزاوا-دروت، دیوید ۲۳۸

یوتیوب ۲۳، ۱۱۱، ۲۸۲، ۲۹۰، ۳۲۴

یوجین پرکینز، اوسنی ۱۸۵

یوری، ویلیام ۲۰۹، ۲۱۰، ۳۰۹، ۳۲۶، ۳۳۹